

مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران / دوره ۱۹، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹: ۷۴۹-۷۶۹

سرمایه اجتماعی دانشگاهی: مقایسه دانشجویان ایرانی در حال تحصیل در ایران و هند

سید هادی مرجانی^۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۲۰

چکیده

مقاله حاضر به بررسی وضعیت مؤلفه‌های سیزده‌گانه سرمایه اجتماعی دانشگاهی و مقایسه آن در میان ۱۹۰ نفر دانشجوی دکتری در حال تحصیل در سه دانشگاه تهران، تربیت مدرس و فردوسی مشهد (به‌عنوان نمونه ایرانی) و دانشجویان دکتری ایرانی در حال تحصیل در دانشگاه میسور هند (نمونه خارج از کشور) پرداخته است. این مطالعه با پرسشنامه محقق ساخته و به روش پیمایش در میان دانشجویان دانشگاه‌های ایرانی و دانشگاه میسور هند انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد وضعیت سرمایه اجتماعی دانشگاهی در میان دانشجویان دکتری ایرانی در حد متوسط به پایین است. در میان چهار گروه از دانشجویان مورد مطالعه پیوند با اعضای خانواده بیش از تعاملات در فضای مجازی گسترش دارد. از میان چهار نوع اعتماد سنجیده شده در این پژوهش، اعتماد به استادان در میان دانشجویان از سایر اعتمادها بیشتر است. شبکه‌سازی در دوران دبیرستان و دانشگاه پایین‌ترین سطح وضعیت سرمایه اجتماعی برآورد شده است. مقایسه دانشجویان در حال تحصیل در ایران و هند نشان می‌دهد، میانگین استاندارد شده شاخص‌های سیزده‌گانه در میان دانشجویان دکتری در حال تحصیل در دانشگاه میسور هند از دانشجویان در حال تحصیل در سه دانشگاه ایرانی تا حدی بیشتر است. ارتباط با خانواده و شبکه‌سازی در دوران دبیرستان در میان دانشجویان ایرانی خارج از کشور در مقایسه با دانشجویان ایرانی نیز بیشتر ارزیابی شده است.

واژه‌های کلیدی: اعتماد، تعاملات، جامعه‌پذیری دانشگاهی، دانشجویان دکتری، سرمایه اجتماعی، شبکه‌سازی.

۱. استادیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، hdmajae@irphe.ir

مقدمه و طرح مسئله

نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی به‌عنوان نهادهای فرابخشی در خدمت خرده‌نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع قلمداد می‌شوند و در کنار وظایف و کارکردهای اساسی خود مانند تولید دانش، ارتقای مهارت و پرورش نیروی انسانی، با تأثیرگذاری بر خرده‌نظام‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه سهم مهمی در تولید و بازتولید فرهنگ نسل فعلی و نسل‌های آتی کشور دارد؛ بنابراین توسعه آموزش پایه و آموزش عالی در کشور بدون پرداختن به وظایف فرابخشی و زیرساختی آن، ناموازن، ناموفق و ناپایدار خواهد بود. سرمایه اجتماعی^۱ یکی از مهم‌ترین انواع سرمایه‌هاست و در زمره مهم‌ترین مؤلفه‌های پویای نظام اجتماعی و فرهنگی جوامع قرار دارد. فضای ساختاری دانشگاه نیز می‌تواند منتقل‌کننده ایده‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی با ضمانت‌های اجرایی مؤثر به بازیگران اصلی حوزه یا میدان دانش علمی از جمله دانشجویان و استادان باشد؛ از این رو، نظام آموزش عالی به‌عنوان یکی از کانون‌های اصلی ایجاد، تولید و ظرفیت‌سازی سرمایه فرهنگی و اجتماعی در سطح جامعه و مرتبط با جوانان کشور محسوب می‌شود؛ بنابراین رصد وضعیت سرمایه فرهنگی و اجتماعی در میان دانشجویان و برنامه‌ریزی و توسعه نظام آموزش عالی در مسیر ایجاد، تولید و افزایش کیفیت سرمایه فرهنگی و اجتماعی در میان دانشجویان و دانش‌آموختگان ضروری است و به اثربخشی و کارایی این نهاد در پیشبرد برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور منجر خواهد شد.

دانشگاه به‌عنوان فضایی با ساختار رسمی به ایجاد هنجارهای رسمی و غیررسمی کمک فراوانی می‌کند؛ یعنی شبکه‌های مختلط و غیررسمی را به‌وجود می‌آورد که سبب تعامل نسبتاً پایدار افراد و نهادها در داخل این شبکه‌ها و افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود. این افزایش سرمایه را می‌توان مقوله‌ای دانست که ارتباط مستقیمی با آموزش افراد دارد؛ یعنی توسعه اجتماعی که فرایند اجتماعی یادگیری است، به‌منظور قدرتمند کردن افراد و گروه‌های اجتماعی عمل می‌کند. این عمل با شمول آن‌ها به‌عنوان شهروندانی حاضر در فعالیت‌های جمعی است و به بازسازی اقتصادی، اجتماعی، توسعه و تغییر کمک می‌کند. در ادامه، تأثیرات توسعه سرمایه اجتماعی در نظام آموزش عالی از ابعاد گوناگون بیان شده است:

الف) توسعه انسانی: مطالعات رایبیز نشان می‌دهد پرورش استعداد های ذهنی و توسعه ظرفیت های انسانی مستلزم توسعه توانمندی های او در کسب احترام و منزلت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و منزلت اجتماعی است. در واقع اثر شبکه های ارتباطی به پرورش، شکل دهی و هدایت ظرفیت های انسانی در دستیابی به «زندگی بهتر» منجر می شود. نفوذ به شبکه های اجتماعی نیز نیازمند کسب مهارت های اجتماعی است (رابی، ۱۹۹۹).

ب) توسعه اقتصادی: توسعه سرمایه اجتماعی به ویژه مؤلفه اعتماد اجتماعی، سبب افزایش سطح سرمایه گذاری ها و تسهیل تأمین مالی پروژه ها و در نتیجه حمایت از خلاقیت ها و توانمندی های نیروی انسانی مشغول به تحصیل در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی می شود؛ در نتیجه احتمال پیشرفت های شغلی و اقتصادی آن ها در قالب شبکه های تولیدی و کارآفرینی سازمانی صورت می گیرد. از بعد اجتماعی می توان گفت سرمایه اجتماعی، منبع ایجاد تعاملات اجتماعی و نیز نظام هدفمند همکاری و همیاری میان افراد جامعه است که آن ها را در دسترسی به اهداف مشترک و حفظ همبستگی اجتماعی یاری می کند.

ج) توسعه ملی: دستیابی به اهداف توسعه متوازن و همه جانبه، یعنی توسعه انسانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و در یک کلام «توسعه ملی» بدون حضور ثروت نامرئی جوامع، یعنی «سرمایه اجتماعی» جامعه، توسعه ای نامتوازن، بی ثبات و ناپایدار است؛ به همین دلیل آنتونی گیدنز سرمایه اجتماعی را «روغن روان کردن چرخ دنده های توسعه» می نامد (گیبیز، ۱۹۹۴ به نقل از رستمی و همکاران ۱۳۸۹: ۶۳۲-۶۳۳).

د) توسعه پایدار: شبکه های اجتماعی، اعتماد نهادی، اعتماد اجتماعی و تمایل به رعایت مقررات از ویژگی های مهم سرمایه اجتماعی است که کاربرد طرح های زیست محیطی در مؤسسات آموزش عالی را تسهیل می کند. اجرای سرمایه اجتماعی با ابتکار مؤسسات آموزش عالی موفق همراه با تغییر قابل توجه در فرهنگ مؤسسات آموزش عالی همراه خواهد بود؛ بنابراین سبب دستیابی به پایداری در مؤسسات آموزش عالی می شود. همچنین درک نقش سرمایه اجتماعی به افزایش چشمگیر عملکرد آموزشی و دستیابی به اهداف آموزشی در مؤسسات آموزش عالی و پایداری در آن ها می انجامد (کاسمپ، ۲۰۱۴).

بررسی های اخیر درباره وضعیت سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان نشان می دهد این موضوع در میان دانشجویان داخل کشور در دوازده سال گذشته تا حدی روبه زوال بوده است.

(مرجانی، ۱۳۹۶ الف؛ ۱۳۸۳). این وضعیت تاحدی نگران‌کننده است و به احتمال زیاد بر اهداف و برنامه‌های توسعه ایران در دهه‌های آتی تأثیرگذار خواهد بود. براین اساس مطالعه عمیق و مقایسه این موضوع در میان گروه‌های مختلف دانشجویی از جمله مقایسه دانشجویان ایرانی در حال تحصیل در داخل کشور و دانشجویان در حال تحصیل در خارج از کشور می‌تواند ابعاد و زوایای این وضعیت را بیشتر روشن کند. براین اساس مطالعه حاضر با طرح سه پرسش اساسی به دنبال شناخت تأثیر محیط‌های اجتماعی و دانشگاهی متفاوت در داخل و خارج از کشور بر سرمایه اجتماعی دانشگاهی است:

۱. وضعیت سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان دکتری به‌عنوان محصول نهایی نظام آموزش عالی چگونه است؟
۲. وضعیت سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان داخل کشور در مقایسه با دانشجویان ایرانی در حال تحصیل در خارج از کشور (دانشجویان میسور هند) چگونه ارزیابی می‌شود؟
۳. تشابهات و تمایزات دانشجویان ایرانی در حال تحصیل در داخل و خارج از کشور درباره سرمایه اجتماعی دانشگاهی چگونه است؟

رویکردهای نظری سرمایه اجتماعی

کلمن، جامعه‌شناس آمریکایی، از جمله متفکرانی است که برای اولین بار موضوع سرمایه اجتماعی را مطرح کرده است. او در زمینه‌های گوناگون مانند رفتار جمعی، تضاد اجتماعی، نهاد اجتماعی، نهاد اجتماعی مدرسه، نظریه مبادله اجتماعی، نظریه شبکه اجتماعی، ساختار اجتماعی و نظریه انتخاب عقلانی به مطالعه و پژوهش پرداخته است. او در کتاب بنیادهای نظریه اجتماعی به‌ویژه به روابط متقابل میان کنترل کنشگران بر رویدادها و منافع که آن‌ها در این رویدادها دارند و مفاهیم ارزش و قدرت ناشی از آن، توجه زیادی کرده است. برای او، سرمایه اجتماعی جنبه‌ای از سرمایه انسانی^۱ است (کلمن، ۱۹۹۰). از دیدگاه کلمن، روابط اقتدار، اعتماد و هنجارهای اجرایی مؤثر اشکال سرمایه اجتماعی هستند. کلمن این منابع اجتماعی-ساختاری را سرمایه‌ای برای فرد، یعنی سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد. سرمایه اجتماعی با کارکرد خود تعریف می‌شود (کلمن، ۱۹۹۴). در پیشینه پژوهشی مرورشده تعریف کلمن از سرمایه اجتماعی شامل اعتماد اجتماعی، تعامل و شبکه‌های مشارکت قدرت است که عمل

1. Human capital

کنشگران را در فضای اجتماعی تسهیل می‌کند، از هزینه مبادلات می‌کاهد و جنبه‌ای از ساخت اجتماعی است که کنش افراد را تسهیل می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷).

از نظر لوری (۱۹۷۷) «سرمایه اجتماعی» برای توصیف منابع افراد (روابط اقتدار، روابط اعتماد و تخصیص هماهنگ حقوق) وضع شده است. از دیدگاه وی، سرمایه اجتماعی مجموع منابعی است که در ذات روابط خانوادگی و در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد و برای رشد شناختی یا اجتماعی کودک یا نوجوان سودمند است. لوری این مفهوم را برای تشخیص منابع اجتماعی سودمند برای توسعه سرمایه انسانی وارد اقتصاد کرد.

از نظر پاتنام نیز سرمایه اجتماعی ابعاد گوناگونی دارد. اعتماد یکی از این ابعاد و شاید مهم‌ترین بعد سرمایه اجتماعی از دیدگاه هر نظریه‌پرداز سرمایه اجتماعی است. به هر حال اعتماد از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌آید؛ یعنی افراد در جامعه چه میزان به یکدیگر اعتماد دارند و تا چه میزان یکدیگر را صادق و سلیم‌النفس می‌شمارند. همچنین چقدر مطمئن هستند که دیگران به تعهدات و قراردادهای همکاری میان خود عمل خواهند کرد. هرچه دو نفر به یکدیگر بیشتر اعتماد داشته باشند، اعتماد متقابلشان افزایش می‌یابد. از نظر پاتنام، اساس کار انجمن‌ها و مؤسسه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و همکاری میان آن‌ها در اعتماد اعضای آن‌ها به یکدیگر قرار دارد. اعتماد یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری است،

از دیگر ابعاد سرمایه اجتماعی از دیدگاه پاتنام، هنجارهای تعامل متقابل و شبکه‌های مشارکت‌مندی است. اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن و پیچیده از دو منبع مرتبط هنجارهای تعامل متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی ناشی می‌شود. هنجارهای تعامل متقابل به این موضوع اشاره دارند که یک جامعه چه میزان از هنجارها و قواعد و مقررات غیررسمی و عرفی که از عمل به تعهدات و قراردادهای همکاری محافظت و پشتیبانی می‌کنند، برخوردار است. هنجارها با الگوشدن و اجتماعی شدن و نیز با مجازات در افراد جامعه تلقین و تثبیت می‌شوند. این نوع هنجارها هزینه معاملات را کاهش می‌دهند؛ به همین دلیل باید گفت هنجارهای تعامل متقابل یکی از مولدترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است. منظور از شبکه‌های مشارکت مدنی که یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی است، انجمن‌ها، تعاونی‌ها، باشگاه‌های ورزشی، احزاب، گروه‌های همکاری و همیاری و مواردی جز این‌هاست که کنش افقی شدیدی را به نمایش می‌گذارند. هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند، بیشتر ممکن است که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند (پاتنام، ۱۳۸۰).

بورديو متفكر مهم ديگر سرمايه اجتماعي آن را جمع منابع واقعي يا بالقوه‌اي مي‌داند كه حاصل شبكه‌اي بادوام از روابط كمابيش نهادينه‌شده، آشنائي و شناخت متقابل يا به بيان ديگر عضويت در يك گروه است. شبكه‌اي كه هريك از اعضاي خود را از پشتيباني سرمايه جمعي برخوردار و آنان را مستحق اعتبار مي‌كند (بورديو، ۱۹۸۶). به نظر وي سرمايه اجتماعي، به‌عنوان شبكه‌اي از روابط، وديعه‌اي طبيعي يا حتي اجتماعي نيست، بلكه در طول زمان و با تلاش بي‌وقفه به دست مي‌آيد؛ به عبارت ديگر، شبكه روابط، محصول راهبردهاي سرمايه‌گذاري فردي يا جمعي آگاهانه يا ناخودآگاه است كه هدف آن ايجاد يا بازتوليد روابط اجتماعي است كه به شكلي مستقيم در کوتاه‌مدت يا بلندمدت قابل استفاده هستند. کاربرد سرمايه اجتماعي نزد بورديو بر اين درك استوار است كه افراد چگونه با سرمايه‌گذاري بر روابط گروه‌ي، وضعيت اقتصادي خود را در فضاي اجتماعي سلسله‌مراتبی (جامعه سرمايه‌داري) بهبود مي‌بخشند؛ از اين رو مي‌توان رويكرد او را ابزاري، فردگرا و متأثر از نظريه سرمايه ماركس و بيشتري تضادگرا تلقی كرد (تاج‌بخش، ۱۳۸۴).

فوكوياما تأكيد بيشتري بر هنجارها و ارزش‌ها دارد. او و پاتنام، سرمايه اجتماعي را در سطح كلان (در سطح كشورها و در ارتباط با رشد و توسعه اقتصادي آنها) بررسی کرده‌اند. مؤلفه‌هاي مدنظر فوكوياما در بحث پاتنام (شبكه‌هاي مشاركت مدني، هنجارهاي اعتماد و همياري) نيز تکرار می‌شود. وي بر خصلت جمعي سرمايه اجتماعي تأكيد کرده است و آن را به منزله دارايي گروه‌ها و جوامع مي‌داند. از ديده‌گاه فوكوياما مي‌توان سرمايه اجتماعي را مجموعه معيني از هنجارها يا ارزش‌هاي غيررسمي (صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه) تعريف كرد كه اعضاي گروه‌ي كه همكاري و تعاون ميان آنها مجاز است در آن سهيم هستند (فوكوياما، ۱۳۸۶).

سهم فضاي ارتباطي و ساختاري دانشگاه در ايجاد و تقويت سرمايه اجتماعي

اگر به مقوله سرمايه اجتماعي از منظر نهادي توجه كنيم، مي‌توان گفت سرمايه اجتماعي تعامل ميان افراد، مشاركت، همكاري، احترام و اعتماد متقابل، تبادل و اشتراك دانش در سازمان براي رسيدن به اهداف سازماني است (ون و همكاران، ۲۰۱۶). دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالي نيز مي‌توانند يكي از منابع مهم سازماني سرمايه اجتماعي باشند. از ديده‌گاه پورترس و لندلوت آموزش عالي و

تحصیلات تکمیلی و در مجموع مراکز دانشگاهی در هر نقطه‌ای از جهان مسئول تربیت نیروی آینده‌ساز آن جامعه هستند. در فرایند سیاست‌گذاری‌ها، سرمایه اجتماعی دیدگاهی ترکیبی برای توسعه منابع انسانی در یک اقتصاد مبتنی بر دانش ارائه می‌کند. این دیدگاه نیز فرضیه‌هایی برای تسهیل آموزش در محل کار فراهم می‌آورد. فرضیه‌هایی مانند پدیدآوردن جنبه انگیزش قوی خودراهنما و استقلال در توسعه شایستگی و شبکه‌ای از روابط معنادار که کمک می‌کند یادگیری با توجه به زمینه اجتماعی محیط کار انجام شود؛ برای مثال پژوهش‌های صورت‌گرفته در انگلستان نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی بر آموزش مستمر بزرگسالان با تأکید بر تصور ایجاد جامعه در حال یادگیری تمرکز یافته است (پورتس و لندلوت، ۱۹۹۶) در جامعه در حال یادگیری فرصت یادگیری برای همه شهروندان فراهم می‌آید و هم‌زمان بر مفاهیم سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی تأکید می‌شود. از دیدگاه ویلسون، دانشگاه‌ها می‌توانند مؤثرترین سازنده‌های سرمایه اجتماعی، هم در داخل کلاس و هم خارج از آن باشند. وی تأکید می‌کند که برای تحقق این هدف باید فعالیت‌های جدیدی در نظام برنامه‌ریزی درسی قرار گیرد (ویلسون، ۱۹۹۷ به نقل از صالحی عمران، ۱۳۹۳).

فراهم‌کردن امکاناتی مناسب برای انتقال مهارت‌ها و فنون و همچنین تجارب افراد کارآموده به افراد در حال تحصیل در مراکز دانشگاهی و ایجاد قابلیت‌ها یا صلاحیت‌های^۱ زندگی و کار می‌تواند نقش مهمی در توسعه پایدار داشته باشد. دانشگاه‌ها نیز از این نظر (انتقال مهارت‌ها و دانش عملی به دانشجویان) و از جنبه فراهم‌کردن فضای تعاملی سازنده و مثبت می‌توانند یکی از مراکز ایجاد سرمایه اجتماعی در نسل آینده کارگزار باشند. دانشگاه به‌عنوان یک نهاد از دیگر نهادهای جامعه متفاوت است. «در این مراکز به ارباب‌رجوعی خدمت می‌شود که محصول است» (بائوم، ۲۰۰۰). به هر حال دانشگاه و فضای ارتباطی و ساختاری آن امکاناتی را در اختیار دانشجویان قرار می‌دهد تا به‌کمک آن شیوه‌های مختلف برقراری ارتباط با اشخاص (حقیقی و حقوقی) و ساختار را در دانشگاه بیاموزند. همچنین دانشگاه از حیث وجود تجهیزات آموزشی پیشرفته و امکانات پژوهشی شیوه عملی فراگیری فنون و استفاده از آن‌ها را آموزش می‌دهد و در نهایت اینکه ایده و بینشی درباره شغل آینده و فرصت‌های شغلی می‌دهد که ممکن است برای یک فارغ‌التحصیلان فراهم شود.

مؤلفه‌های اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی مفهومی کلی است که از اجزای متفاوتی تشکیل شده است. این اجزا ممکن است دارایی‌های یک جامعه باشند که هیچ‌کسی به‌طور فردی مالک تمام آن‌ها نیست. وجود این سرمایه تنها در صورت تملک جمعی معنا می‌کند و یک نفر هرگز نمی‌تواند ملاک وجود سرمایه اجتماعی در جامعه باشد. این مؤلفه‌ها یا ابعاد مفهومی عبارت‌اند از: اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همدلی و انسجام اجتماعی و شبکه‌سازی. نکته مهم را بیلت (۲۰۱۲) مطرح کرده که معتقد است مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در میان جوانان متفاوت است و مؤلفه‌هایی مانند انواع شبکه‌ها (پیوندی، اتصالی^۱، تعداد شبکه‌های موجود^۲، مشارکت در خانواده و خویشاوندی^۳، مشارکت در دوستی، مشارکت در اجتماع و زندگی مدنی، مشارکت در زندگی اجتماعی جوانان، مشارکت در برنامه‌های سیاسی جوانان) را دربرمی‌گیرد.

از سوی دیگر، دانشگاه به‌عنوان ساختار آموزشی و تربیتی و در واقع هسته‌ی اجتماعی نقش بسیاری در امکان برقراری تعاملات و هم‌کنشی میان اعضای خود اعم از استادان، دانشجویان و سایر کارکنان از یک سو و مشارکت در نهادهای درون و بیرون دانشگاه از سوی دیگر فراهم می‌کند. به این ترتیب دانشگاه بستری برای تقویت سرمایه اجتماعی کنشگران نهاد علم تلقی می‌شود. برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی که در نظام آموزش عالی قابل‌شناسایی و اندازه‌گیری است عبارت‌اند از:

اعتماد اجتماعی: اعتماد اجتماعی^۴ در زمره مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است که زمینه مشارکت، همکاری، تعاملات و کنش‌های گروهی را میان اعضا در گروه‌های اجتماعی فراهم می‌کند و به گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با سایر افراد جامعه منجر می‌شود (کریشنا و الیزابت، ۲۰۰۰؛ دفتر آمار استرالیا، ۲۰۰۰؛ گروتارت و همکاران، ۲۰۰۵). در اعتماد، حداقل دو طرف وجود دارند: اعتمادکننده و امین. برقراری اعتماد کنشی از جانب امین به‌وجود می‌آید که در غیر این صورت ممکن نمی‌شد. داشتن روابط مبتنی بر اعتماد یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی است. اینکه مردم در برقراری تعاملات خود به یکدیگر اعتماد کنند،

1. Type of network: Bonding and bridging
2. Number of networks present
3. Participation in family and kinship
4. Social trust

نشان می‌دهد که از سرمایه اجتماعی فراوانی برخوردار هستند. آنچه در مقابل ذخیره سرمایه اجتماعی وجود دارد، نبود روابط مبتنی بر اعتماد است. انجام امور اجتماعی در اولین گام، مستلزم وجود اعتماد اجتماعی است. بی‌اعتمادی نیز مهم‌ترین مانع مشارکت اجتماعی است (مرجائی، ۱۳۹۳). همان‌طور که تونکیس یادآوری کرده است، بر مبنای اعتماد نوعی تعامل میان افراد مستقل و کارگزار و پذیرش متقابل میان افراد در جامعه تحقق می‌یابد که از آن با عنوان جامعه آراسته یاد شده است. نکته جالب این است که اعتماد طلب‌کردنی نیست، بلکه به تعبیر سلیمگس عرضه‌کردنی است؛ یعنی به آن جنبه از هویت شخصی مرتبط است که با نقش‌ها تعیین نمی‌شود، بلکه به پذیرش کارگزاری طرف مقابل ارتباط دارد (تونکیس، ۲۰۰۴ به نقل از صالحی عمران، ۱۳۹۳).

مشارکت اجتماعی: مشارکت به مفهوم کنشی قصددار، هدفمند، ارادی و اختیاری با ویژگی‌های متعامل^۱ میان کنشگر، زمینه اجتماعی و محیطی او و تقبل آگاهانه انجام امری یا بخشی از امور در شکل معاضدت، معاونت، همیاری و همکاری از روی میل و نیاز، با هدف بهبود و زندگی اجتماعی به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر فرایندهای توسعه ملی از سوی صاحب‌نظران مختلف مطرح شده است (لیپست، ۱۹۶۸ به نقل از محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۸۳). مشارکت اجتماعی^۲ برای افراد، رضایت به‌دنبال دارد و عامل شکل‌دهی به روابط سازنده شبکه‌های حمایتی بالقوه است (بولن و جینی، ۱۹۹۸؛ دفتر آمار استرالیا، ۲۰۰۰: ۶۳۰). مسئله مشارکت اجتماعی در معنای وسیع کلمه دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. کنشگران محیط علمی در فرم‌ها و قالب‌های مختلف با یکدیگر تعامل دارند و در واقع این هم‌کنشی‌ها ساختار اصلی سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهد. تعامل میان دانشجویان، تعامل دانشجویان با استادان، تعامل دانشجویان با فضای علمی و دانشگاهی و تعامل با نهادهای علمی و اجتماعی و ساختار دانشکده از جمله فرم‌های مشارکت در محیط دانشگاه است.

انسجام اجتماعی: انسجام اجتماعی^۳ یکی از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی است. همچنین به معنای وجود تعلق جمعی و تعامل میان افراد جامعه با پذیرش و درونی‌کردن ارزش‌ها و

1. Interactive
2. Social participation
3. Social solidarity

هنجارهای مشترک، حمایت افراد یک گروه یا جامعه از یکدیگر، بهره‌مندی از احساس پذیرش از سوی دیگران و احساس راحتی در گروه‌هایی است که افراد در آن‌ها عضویت یا مشارکت داشته باشند (کریشنا و الیزابت، ۲۰۰۰؛ گروتارت و همکاران، ۲۰۰۵). هم‌بستگی اجتماعی در جامعه‌ای به وجود می‌آید که از وجدانی جمعی برخوردار باشد. از نظر دورکیم وجدان جمعی یعنی مجموعه باورها و احساسات مشترک در میان حد وسط اعضای یک جامعه. وجدان جمعی حیات خاص خویش را دارد؛ با این حال بدون مشارکت افراد در حین آن نمی‌تواند واقعیت بیابد (مرجائی، ۱۳۸۳).

شبکه‌سازی: شبکه‌سازی^۱ قابلیت مهمی است که سبب افزایش سرمایه اجتماعی در افراد می‌شود. دانش‌آموزان و دانشجویان در طول دوران تحصیلات خود با عضویت در شورای مرکزی انجمن یا گروه‌های فعال، نام‌نویسی برای انتخابات صنفی دانشگاه یا دبیرستان، ایجاد تیم ورزشی در دانشگاه یا دبیرستان، پیگیری‌های لازم برای حل مشکل عمومی، ایجاد شبکه مجازی و مدیریت آن و تشکیل گروه کاری و رهبری گروه در حوزه‌های مختلف علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این فرصت را ایجاد می‌کنند تا دامنه سرمایه اجتماعی خود را توسعه دهند (مرجائی، ۱۳۹۶ الف).

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه به کمک پرسشنامه محقق‌ساخته و با استفاده از روش پیمایش در میان دانشجویان دانشگاه‌های ایرانی و دانشگاه میسور هند انجام شده است. نمونه‌گیری نیز به شیوه تصادفی طبقه‌بندی شده انجام شده است. اعتبار محتوایی و روایی وسیله اندازه‌گیری و تعریف گویه‌های تعریف‌کننده ابعاد سیزده‌گانه سرمایه اجتماعی، با مطالعات اسنادی و مشارکت نخبگان و متخصصان در پنل‌های مربوط و در نهایت به کمک تحلیل عاملی اکتشافی و محاسبه ضرایب آلفای کرونباخ به دست آمده است. در پژوهش حاضر از داده‌های طرح پژوهشی «پیمایش ملی وضعیت سرمایه فرهنگی و اجتماعی دانشجویان: مطالعه طولی» (مرجائی، ۱۳۹۶ الف) برای اطلاعات دانشجویان داخل کشور استفاده شده است. در مطالعه دانشجویان ایرانی، دانشجویان دکتری در حال تحصیل در دانشگاه‌های تهران (۴۳ نفر)، فردوسی مشهد (۵۶ نفر) و تربیت مدرس (۳۶ نفر) در ارتباط با سرمایه اجتماعی به عنوان نمونه قابل مقایسه با دانشجویان

1. Network building

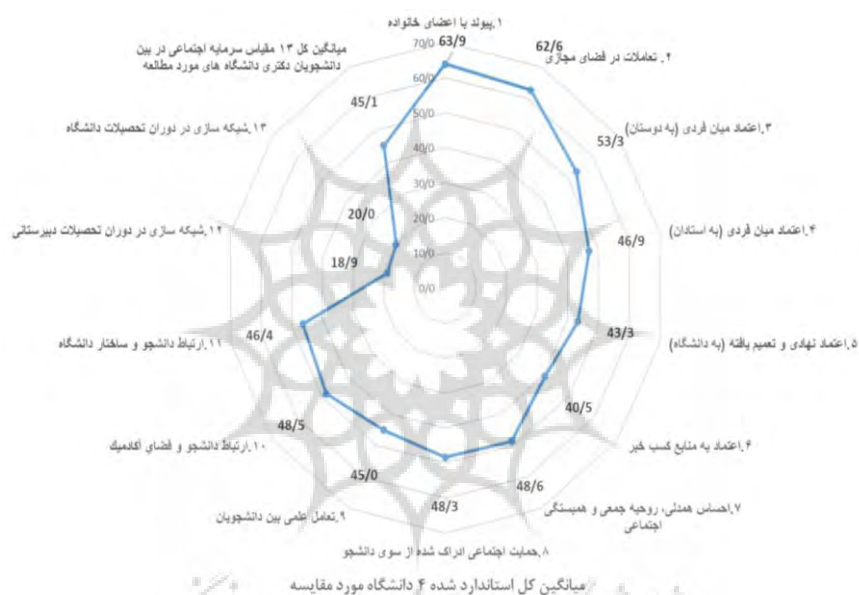
دکتری در حال تحصیل در دانشگاه میسور هند انتخاب شدند. در مطالعه دوم ۷۵ نفر از دانشجویان در حال تحصیل در دانشگاه میسور هند بررسی شدند که از این میان دانشجویان دکتری در حال تحصیل در دانشگاه میسور (۵۵ نفر) به عنوان نمونه قابل مقایسه با دانشگاه‌های داخل کشور انتخاب شدند. در مطالعه حاضر، سرمایه اجتماعی به کمک پرسشنامه محقق ساخته و با سیزده مقیاس و ۸۰ گویه به شرح زیر بررسی شده است: پیوند با اعضای خانواده (۱ گویه)، اعتماد میان فردی به استادان (۸ گویه)، اعتماد میان فردی به دوستان (۷ گویه)، اعتماد نهادی و تعمیم یافته به دانشگاه (۵ گویه)، اعتماد به منابع کسب خبر (۱۵ گویه)، تعامل علمی میان دانشجویان (پیوندهای اجتماعی) (۶ گویه)، ارتباط دانشجو و ساختار دانشکده (۴ گویه)، ارتباط دانشجو و فضای آکادمیک (۴ گویه)، شبکه سازی در دوران تحصیلات دبیرستانی (۶ گویه)، شبکه سازی در دوران تحصیلات دانشگاه (۶ گویه)، حمایت اجتماعی ادراک شده از سوی دانشجو (۷ گویه)، احساس همدلی، روحیه جمعی و همبستگی اجتماعی (۵ گویه) و تعاملات در فضای مجازی (۶ گویه).

یافته‌های پژوهش

نتایج توصیفی به دست آمده نشان می‌دهد، میانگین استاندارد شده سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان دکتری ایرانی و دانشجویان ایرانی در حال تحصیل در میسور هند در حد متوسط به پایین است. سرمایه اجتماعی دانشجویان زن و مرد غیر از یک شاخص از سیزده شاخص مورد مطالعه همسان گزارش شده است و تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. تنها در شاخص ارتباط با ساختار دانشکده، دانشجویان مرد بیش از دانشجویان زن ارتباط فعالی داشته‌اند. همچنین از سیزده شاخص بررسی شده، تنها در سه شاخص، وضعیت سرمایه اجتماعی دانشجویان دکتری چهار دانشگاه مورد مطالعه در سطح ۵۰ درصد به بالا برآورد شده است: پیوند با اعضای خانواده (۶۳/۹ درصد)، تعاملات در فضای مجازی (۶۲/۶ درصد) و اعتماد میان فردی به استادان (۵۳/۳ درصد).

در میان چهار گروه از دانشجویان مطالعه شده، پیوند با اعضای خانواده بیش از تعاملات در فضای مجازی گسترش دارد. از میان چهار نوع اعتماد سنجیده شده در این پژوهش نیز، اعتماد به استادان در میان دانشجویان دکتری (۴۶/۹ درصد) در مقایسه با سایر اعتمادها در بالاترین سطح قرار گرفته است. شبکه سازی در دوران دبیرستان (۱۸/۹) و در دوران تحصیلات دانشگاهی (۲۰)

درصد) پایین‌ترین سطح وضعیت سرمایه اجتماعی است. در ارتباط با سایر شاخص‌ها (ده شاخص) وضعیت سرمایه اجتماعی زیر سطح متوسط قرار دارد. شکل ۱ نتایج ارتباط با میانگین استاندارد شده (نسبت به ۱۰۰) شاخص‌های سرمایه اجتماعی را به تفکیک دانشگاه‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد. میانگین کل سرمایه اجتماعی سیزده شاخص بررسی شده در چهار دانشگاه ذکر شده ۴۵/۱ و زیر سطح متوسط برآورد شده است.



شکل ۱. میانگین کل استاندارد شده مقیاس‌های سرمایه اجتماعی دانشجویان دکتری دانشگاه‌های

مورد مطالعه به تفکیک مقیاس‌های سیزده گانه

نتایج حاصل در ارتباط با وضعیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی دانشجویان به تفکیک دانشگاه‌های چهارگانه نشان می‌دهد، وضعیت سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان دکتری دانشگاه میسور با میانگین ۴۶ درصد تا حدودی شبیه دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس با میانگین ۴۶ درصد است و تا حدی از سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه تهران به میزان ۴۴ درصد و فردوسی مشهد با مقدار ۴۴/۷ درصد بیشتر است. میانگین دانشجویان دکتری سه دانشگاه داخل کشور (۴۴/۹) و دانشجویان دانشگاه میسور (۴۶) بالاتر از میانگین مطالعه ملی در

یازده دانشگاه در همه مقاطع تحصیلی (۴۲/۱) است. به عبارت دیگر، هرچه مقطع تحصیلی در دانشگاه‌های مورد مطالعه بیشتر شده، نمرات سرمایه اجتماعی دانشجویان بهتر شده است. براین اساس یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد حضور و تحصیل در دانشگاه تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی است.

نتایج مربوط به تحلیل واریانس^۱ مقیاس‌های سرمایه اجتماعی به تفکیک دانشگاه‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد، از سیزده مقیاس بررسی شده، نگرش دانشجویان دکتری چهار دانشگاه مورد بررسی در شش شاخص بدین شرح با یکدیگر تفاوت معناداری دارند: پیوند با اعضای خانواده، اعتماد میان فردی به دوستان، اعتماد به منابع کسب‌خبر، تعامل علمی میان دانشجویان (پیوندهای اجتماعی)، شبکه‌سازی در دوران تحصیلات دبیرستانی و تعاملات در فضای مجازی؛ به طوری که دانشجویان ایرانی در حال تحصیل در دانشگاه در ارتباط با دو شاخص پیوند با اعضای خانواده و شبکه‌سازی در دوران تحصیلات دبیرستانی میانگین بیشتری از سایر دانشگاه‌ها به دست آورده‌اند. پیوند با اعضای خانواده از یک گویه (رابطه من با اعضای خانواده) بسیار صمیمی و گرم است) تشکیل شده است.

فعالیت‌های اجتماعی و شبکه‌سازی در دوره تحصیلی دبیرستان و دانشگاه هرکدام از شش گویه به شرح زیر ساخته شده‌اند: پیگیری‌های لازم برای حل مشکل عمومی، ایجاد تیم ورزشی در دبیرستان، عضویت در شورای مرکزی انجمن یا گروه‌های فعال، تشکیل گروه کاری و رهبری گروه در حوزه‌های مختلف علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نام‌نویسی برای انتخابات صنفی دبیرستان و ایجاد شبکه مجازی و مدیریت آن. دانشجویان دکتری دانشگاه تهران در شاخص اعتماد به منابع کسب‌خبر و دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در سه شاخص اعتماد میان فردی به دوستان، تعاملات در فضای مجازی و تعامل علمی میان دانشجویان (پیوندهای اجتماعی) و دانشجویان ایرانی دانشگاه میسور در پیوند با اعضای خانواده و شبکه‌سازی در دوران تحصیلات دبیرستانی بالاترین میانگین را به دست آورده‌اند.

جدول ۱. تحلیل واریانس مقیاس‌های سیزده‌گانه سرمایه اجتماعی به تفکیک دانشجویان دکتری

دانشگاه‌های مورد مطالعه

مقیاس‌های مورد مطالعه	دانشگاه محل تحصیل	نمونه	میانگین	انحراف معیار	کمیت F	سطح معناداری
پیوند با اعضای خانواده	دانشگاه تهران	۴۳	۲/۴۴۱۹	۰/۸۱۱۰۸	۱۹/۵۲۶	۰/۰۰۰
	دانشگاه فردوسی مشهد	۵۶	۳/۲۶۷۹	۰/۷۷۴۳۹		
	دانشگاه تربیت مدرس	۳۶	۳/۲۷۷۸	۰/۷۷۸۶۸		
	دانشگاه میسور هند	۵۴	۳/۶۶۶۷	۰/۷۵۲۳۵		
	مجموع	۱۸۹	۳/۱۹۵۸	۰/۹۰۴۳۵		
اعتماد میان فردی به دوستان	دانشگاه تهران	۴۲	۱۶/۸۳۳	۴/۵۵۸۱	۳/۱۰۴	۰/۰۲۸
	دانشگاه فردوسی مشهد	۵۴	۱۹/۴۸۱	۴/۸۳۶		
	دانشگاه تربیت مدرس	۳۵	۱۹/۶۵۷	۴/۶۵۲۳		
	دانشگاه میسور هند	۵۲	۱۸/۶۳۵	۴/۹۲۳		
	مجموع	۱۸۳	۱۸/۶۶۷	۴/۸۴۶۴		
اعتماد به منابع کسب خبر	دانشگاه تهران	۴۱	۳۲/۹۲۷	۷/۸۵۶۲	۳/۰۱۶	۰/۰۳۲
	دانشگاه فردوسی مشهد	۵۱	۲۷/۹۶۱	۷/۹۴۴۷		
	دانشگاه تربیت مدرس	۳۱	۳۱/۷۱	۷/۵۳۳		
	دانشگاه میسور هند	۴۳	۲۹/۸۱۴	۹/۷۶۶۹		
	مجموع	۱۶۶	۳۰/۳۶۷	۸/۵۱۶۱		
تعامل علمی میان دانشجویان (پیوندهای اجتماعی)	دانشگاه تهران	۴۲	۱۳/۴۵۲	۲/۹۹۷۶	۴/۴۹۵	۰/۰۰۵
	دانشگاه فردوسی مشهد	۵۳	۱۳/۰۳۸	۴/۵۴۰۳		
	دانشگاه تربیت مدرس	۳۵	۱۵/۷۴۳	۳/۳۳۷۳		
	دانشگاه میسور هند	۵۳	۱۲/۵۶۶	۴/۹۶۷۲		
	مجموع	۱۸۳	۱۳/۵۱۴	۴/۲۸۱۱		
شبکه‌سازی در دوران تحصیلات دبیرستانی	دانشگاه تهران	۴۳	۴/۰۹۳	۴/۹۰۷۸	۸/۵۸۱	۰/۰۰۰
	دانشگاه فردوسی مشهد	۵۱	۶/۶۶۷	۶/۸۸۹۶		
	دانشگاه تربیت مدرس	۳۲	۴/۸۷۵	۷/۳۴۷۴		
	دانشگاه میسور هند	۴۵	۱۰/۹۵۶	۷/۹۸		
	مجموع	۱۷۱	۶/۸۱۳	۷/۳۰۵۱		
تعاملات در فضای مجازی	دانشگاه تهران	۴۳	۴/۲۷۹	۱/۶۹۴۹	۵/۵۵۱	۰/۰۰۱
	دانشگاه فردوسی مشهد	۵۵	۳/۶	۱/۱۸۰۱		
	دانشگاه تربیت مدرس	۳۲	۴/۳۱۳	۱/۵۱۲		
	دانشگاه میسور هند	۵۲	۳/۱۵۴	۱/۸۸۲۷		
	مجموع	۱۸۲	۳/۷۵۸	۱/۶۴۴۳		



شکل ۲. مقایسه میانگین استاندارد شده مقیاس‌های سیزده‌گانه به تفکیک دانشجویان دکتری در دانشگاه‌های مورد مطالعه

بر اساس شکل ۲، دانشجویان ایرانی مقیم دانشگاه میسور در ارتباط با شاخص‌های سرمایه اجتماعی از دو دانشگاه تهران و فردوسی مشهد در سطح بهتری قرار دارند؛ به طوری که دانشجویان دکتری در حال تحصیل در خارج از کشور در دو شاخص ارتباط با خانواده و شبکه‌سازی در دوره تحصیلات دبیرستانی از میانگین سه دانشگاه ایرانی و همچنین نمونه ملی وضعیت بهتری دارند. هرچند میزان شاخص‌ها بیانگر این است که هر دو گروه دانشجویان ایرانی در حال تحصیل در داخل و خارج از کشور، سرمایه اجتماعی در حد متوسط به پایینی دارند و از این حیث وضعیت آن‌ها تا حدودی مشابه است. با وجود این، دانشجویان دکتری در برخی مؤلفه‌ها نسبت به دانشجویان همه مقاطع تحصیلی (نمونه ملی از یازده دانشگاه) تا حدی وضعیت بهتری دارند.



شکل ۳. مقایسه میانگین استاندارد شده مقیاس های سیزده گانه به تفکیک دانشجویان دکتری ایرانی در حال تحصیل در دانشگاه میسور هند و دانشجویان دکتری سه دانشگاه ایرانی و دانشجویان همه مقاطع تحصیلی یازده دانشگاه (نمونه ملی)

بحث و نتیجه گیری

سرمایه اجتماعی منبع مهمی برای سازگاری افراد با نظام اجتماعی پیرامون و یکی از مهم ترین مؤلفه های تأثیرگذار در موفقیت های اقتصادی و برنامه های توسعه است. خانواده، محیط اجتماعی و نظام آموزشی مهم ترین دلایل سرمایه اجتماعی و فرهنگی محسوب می شوند. نهاد مدرسه و نهاد دانشگاه نقش مؤثری در مسیر جامعه پذیری، ساخت و شکل گیری شخصیت فردی و اجتماعی و همچنین تقویت و بهسازی سرمایه فرهنگی و اجتماعی نسل های آتی دارند. در این پژوهش، سیزده شاخص از انواع مؤلفه های سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان ایرانی و دانشجویان ایرانی خارج از کشور بررسی و مقایسه شد.

یافته های مقایسه تطبیقی وضعیت سرمایه اجتماعی دانشجویان دکتری ایرانی داخل کشور با دانشجویان دکتری در حال تحصیل در خارج از کشور (دانشگاه میسور هند) نشان می دهد، برخورداری از سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان ایرانی خارج از کشور تفاوت معنادار

چندانی با دانشجویان داخل کشور ندارد و در حد متوسط به پایین است. با این حال یافته‌ها حاکی از آن است که در برخی موارد دانشجویان در حال تحصیل در خارج کشور، از جمله در ارتباط با خانواده و شبکه‌سازی در دوران دبیرستان در مقایسه با دانشجویان داخل کشور وضعیت بهتری دارند.

این یافته‌ها گویای این واقعیت است که سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان ایرانی در حال تحصیل در خارج از کشور، با دو مفهوم کلیدی شامل خانواده و شبکه‌سازی ارتباط دارد. واقعیت‌ها نیز گویای این است که جهان‌زندگی ایرانیان خارج از کشور تا حدی به این واقعیت مهم در زندگی آن‌ها ارتباط پیدا می‌کند. همچنین خانواده آن‌ها را حمایت می‌کند و دوران دبیرستان برای آن‌ها دوران طلایی و مملو از سرمایه اجتماعی بوده است. افزون بر این، تمرین ارتباطات شبکه‌ای و قدرت ایجاد اجتماعات شبکه‌ای در پیرامون خود و بهره‌برداری از اطلاعات و حمایت‌های شبکه‌ای را در این مدت کسب کرده‌اند.

دانشجویان در حال تحصیل در داخل کشور در مواردی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی برجستگی دارند که موفقیت آن‌ها در جامعه ایرانی را تا حدی تضمین می‌کند؛ مانند اعتماد به منابع کسب‌خبر، اطمینان به دوستان و تعاملات در فضای مجازی. براین اساس هر دو گروه از دانشجویان از برخی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی متأثر هستند، اما هر یک از این منابع با توجه به نوع و ماهیت آن، سازگاری آن‌ها با زیست جهان پیرامون را فراهم می‌کنند. براین اساس با توجه به تفاوت‌های زیست‌جهان دانشجوی ایرانی داخل کشور با دانشجوی ایرانی در حال تحصیل خارج از کشور، تفاوت‌هایی در توانمندی‌های آن‌ها در بهره‌برداری از منابع سرمایه اجتماعی وجود دارد.

به‌منظور ارتقای سرمایه اجتماعی دانشگاهی باید سیاست‌ها و چارچوب‌های جامعه‌پذیری دانشگاهی به‌شکلی عمیق‌تر بررسی شود. سیاست‌گذاری نوین در ارتباط با جامعه‌پذیری دانشجویان بر این اصول تأکید دارد که جامعه‌پذیری باید خود را از جهت‌گیری سخت‌منطبق و همگرا جدا کند. ساختار اصلاح‌شده جامعه‌پذیری باید بر بصیرت فردی تأکید و از آن حمایت کند. به‌دلیل وجود تأثیرات بصیرت فردی، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز رشد و توسعه می‌یابند (مرجانی، ۱۳۹۶ب) به این دلیل، باید دانشجویان برای رشد و توسعه این بصیرت فردی اجتماعی شوند. جامعه‌پذیری نیز باید هنجارها و ارزش‌های فعالیت جمعی و مدنی را بدون

توقع اینکه دانشجو آن ارزش‌ها و هنجارها را برای خود بپذیرد، القا کند. جامعه‌پذیری باید به‌گونه‌ای که بیش از یک روش برای اجتماعی کردن دانشجویان وجود دارد، اشکال متفاوتی را بگیرد. در نهایت اینکه باید تأکید بر بصیرت فردی^۱ را ترفیع دهد و از آن حمایت کند. براین اساس در جامعه‌پذیری مبتنی بر بصیرت فردی، میان رشد آگاهی به‌جای رشد و توسعه پذیرش شخصی هنجارها و ارزش‌ها تفاوت وجود دارد. این نوع جامعه‌پذیری تشخیص می‌دهد که شخص می‌تواند به محتوا ارجحیت دهد و هوش و ذکاوت خود را برای فعالیت در حیطه استانداردها، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، بدون اجبار در درونی‌سازی یا پذیرش آن استانداردها، ارزش‌ها و هنجارها به‌عنوان اصول اساسی خود، رشد و توسعه دهد.

با تقویت زمینه‌های توسعه تعاملات میان اعضای محیط علمی می‌توان سرمایه اجتماعی دانشگاهی را تقویت کرد و بر آن تأثیر گذاشت. برای احیا و تقویت سرمایه اجتماعی دانشجویان اعم از مشارکت اجتماعی و اعتماد و شبکه‌سازی و غیره باید زمینه‌های اثربخشی درونی و به‌ویژه بیرونی دانشگاه تقویت شود. یکی از حلقه‌های مهم موفقیت در جامعه‌پذیری دانشگاهی فراهم کردن زمینه‌های موفقیت دانشجویان در زمینه کار حرفه‌ای و تخصصی است. تأثیر موفقیت در حوزه کاری برای دانشجویان، یعنی احساس رضایت از خود و محیط. یکی از حلقه‌های مهم برای شکل‌گیری جامعه‌پذیری مطلوب می‌تواند موفقیت دانشجویان در زندگی حرفه‌ای آن‌ها باشد.

یکی از سیاست‌های مهم مرتبط با عملکرد اجتماعی و فرهنگی مطلوب در محیط دانشگاهی افزایش و تقویت عملکرد مکانیسم خودتنظیمی و کاهش شکاف کنشگران دانشگاهی، اعطای آزادی و استقلال بیشتر به محیط‌های دانشگاهی است. یافته‌ها نشان می‌دهد نارضایتی از یک سو و احساس بیگانگی و بی‌هنجاری از سوی دیگر، بر محیط‌های علمی تأثیر گذاشته است. این مسئله بر برداشت واقعی دانشجویان از عملکرد خود در ارتباط با سرمایه اجتماعی تأثیرگذار است. سیاست‌های اصلاحی به‌منظور تقویت فضای اجتماعی و فرهنگی محیط‌های علمی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین اقدامات اولیه در ارتقای عملکرد دانشگاه‌ها در ارتباط با سرمایه اجتماعی دانشگاهی است. یافته‌های قانع‌ی‌راد (۱۳۸۵) درباره ناسازگاری و بی‌ثباتی^۲ در فرایندهای گفت‌وگو و مذاکره، همچنین یافته‌های مرجانی (۱۳۸۳؛ ۱۳۹۶ الف) درباره تعاملات

1. Intellectual Individuality
2. Incompatibility and instability

ضعیف استادان و دانشجویان در فضای محیط علمی نشان‌دهنده اهمیت این موضوع و شکل‌گیری این مسئله اجتماعی در نظام دانشگاهی ایران است. این موضوعات از موانع مهم اجتماعی-فرهنگی محیط علمی است که بر فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی و کاهش سرمایه اجتماعی تأثیرگذار است.

سیاست احیای شبکه‌های اجتماعی و فرهنگی و تقویت حلقه‌های مشترک کاری کنشگران دانشگاه اعم از دانشجویان، استادان، مدیران و فعالان فرهنگی و اجتماعی از برنامه‌های لازم برای ارتقای وضعیت سرمایه اجتماعی و فرهنگی در نظام دانشگاهی است. نتایج نشان می‌دهد ضعف در همکاری‌های گروهی و تعاملات استادان، ضعف در پیوندها و هم‌بستگی اجتماعی لازم برای شکل‌گیری اجتماعات علمی، مشارکت ضعیف استادان دپارتمان در اجتماعات علمی، تعاملات ضعیف استادان و دانشجویان در فضای محیط علمی دپارتمان و بی‌قوارگی و شکل‌گیری ضعف اجتماع علمی از جمله موانع نهادی مؤثر بر جامعه‌پذیری دانشگاهی است. پیش از این در پژوهش‌های ابراهیمی (۱۳۷۲)، خسرو خاور (۱۳۸۴)، فاضلی (۱۳۸۲)، مرجائی (۱۳۹۰) و قانع‌راد (۱۳۸۵) بر وجود این چالش‌ها در نظام دانشگاهی کشور تأکید شده است.

به‌منظور تحقق سرمایه اجتماعی در دانشگاه‌ها باید فعالیت‌ها و برنامه‌های آموزشی خاصی در نظام برنامه‌ریزی آموزش عالی تعریف شود؛ برای نمونه آن دسته از مهارت‌های ارتباطی که احترام، اعتماد، یکدلی و مهارت‌های گروهی مانند حل تضاد، حل مسئله مشارکتی و تصمیم‌گیری گروهی را ایجاد می‌کنند، باید به‌عنوان مهارت‌های اساسی در مقطع کارشناسی آموزش داده شود. با انجام این کار، دانشگاه‌ها می‌توانند افراد مسئول و توانمندی برای مشاغل مختلف و همچنین شهروندانی مسئول و آگاه را برای جامعه پرورش دهند. این مهارت‌ها در کشورهای مختلف به نام‌های متفاوتی معروف هستند (کارنیوال و همکاران، ۱۹۹۰؛ فرنکلین و کلاوسن، ۱۹۹۸ به نقل از رستمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۲۸). دامنه سرمایه اجتماعی جوانان دانشگاهی به محیط‌های آموزشی اولیه از جمله خانواده، مدرسه و سایر محیط‌های آموزشی و عملکرد سایر نهادها در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه مربوط می‌شود؛ از این رو برای شناخت عمیق این موضوع هم‌اندیشی با صاحب‌نظران در حوزه‌های علمی مختلف و بررسی داده‌ها و شاخص‌های ملی و منطقه‌ای و کاوش در عملکرد سایر نهادهای جامعه ضروری است.

منابع

- ≠ ابراهیمی، قربانعلی (۱۳۷۲)، «اجتماع علمی: ساختار و هنجارهای آن»، *رهیافت*، شماره ۵: ۷۰-۸۹
- ≠ پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- ≠ تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، تهران: شیرازه.
- ≠ خسروخاور، فرهاد (۱۳۸۴)، *اجتماع علمی در ایران از دیدگاه پژوهشگران نخبه*، گزارش تحقیق، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- ≠ ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۷)، «پارادوکس سرمایه اجتماعی تحصیل‌کردگان ایرانی»، *فصلنامه آموزش مهندسی*، شماره ۴۰: ۲۵-۵۱.
- ≠ رستمی، فرحناز و همکاران (۱۳۸۹)، «بررسی سازوکارهای توسعه سرمایه اجتماعی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران»، *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۲-۴۲، شماره ۴: ۶۲۷-۶۴۵.
- ≠ صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۹۳)، «آموزش عالی و سرمایه اجتماعی»، *پژوهشنامه توسعه فرهنگی اجتماعی*، شماره ۱: ۵۷-۷۷.
- ≠ فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۲)، «مطالعه‌ای تطبیقی بر علل ناکارآمدی آموزش دانشگاهی: مقایسه‌ای میان ایران و بریتانیا»، *نامه انسان‌شناسی*، شماره ۳: ۹۳-۱۳۲.
- ≠ فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۶)، *پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
- ≠ قانع‌راد، محمدامین (۱۳۸۵)، *تعاملات و ارتباطات در جامعه علمی: بررسی موردی در رشته علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ≠ کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ≠ محسنی تبریزی، علیرضا، قاضی طباطبایی، محمود و سید هادی مرجانی (۱۳۸۳)، *بررسی ملی وضعیت مشارکت سیاسی زنان در ۲۸ مرکز استان کشور*، تهران: وزارت کشور.
- ≠ مرجانی، سید هادی (۱۳۸۳)، *طرح تحقیقاتی: بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه‌ها*، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

- ≠ مرجائی، سید هادی (۱۳۹۰)، عوامل مؤثر بر درونی‌شدن هنجارهای دانشگاهی و حرفه‌ای در اجتماع علمی ایران: مطالعه موردی دانشجویان دکتری دانشگاه تهران، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ≠ مرجائی، سید هادی (۱۳۹۳)، آموزش عالی کانون توسعه سرمایه اجتماعی، در مجموعه مقالات آموزش عالی و توسعه پایدار، تهران: انتشارات مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ≠ مرجائی، سید هادی (۱۳۹۶ الف)، طرح تحقیقاتی: پیمایش ملی وضعیت سرمایه فرهنگی و اجتماعی دانشجویان: مطالعه طولی، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ≠ مرجائی سید هادی (۱۳۹۶ ب)، طرح تحقیقاتی: جامعه‌پذیری دانشگاهی، رویکردها و فرایندها، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ≠ Australian Bureau of Statistics. (2000), **Social Capital and Social Wellbeing**, California: Sage Publication.
- ≠ Baum, F. (2000), "Social Capital, Economic and Power: Further Issues for a Public Health Agenda", **Journal of Epidemiological Community Health**, No. 54: 409-410.
- ≠ Billett, P. (2012), "Indicators of Youth Social Capital: The Case for Not Using Adult Indicators in the Measurement of Youth Social Capital", **Youth Studies Australia**, Vol. 2, No. 31: 9.
- ≠ Bourdieu, P. (1986), **The Forms of Capital**, In J. G. Richardson (Ed.), **Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education**: 241-258, New York: Greenwood.
- ≠ Bullen, P., and Jenny, O. (1998), "Measuring Social in Five Communities in NSW, Neighborhood and Community Centers", **Journal of Applied Behaviour**, No. 36: 23-34.
- ≠ Coleman, J. S. (1994), **Social Capital, Human Capital, and Investment in Youth**, In A. C. Petersen and J. T. Mortimer (Eds.), **Youth Unemployment and Society** (P. 34-50). Cambridge University Press.
- ≠ Coleman, J. S. (1990), **Foundations of Social Theory**. Cambridge, MA: Belknap Press of Harvard University Press.
- ≠ Kijpokin (2014), **The Role of Social Capital in Higher Education Institutions**, Source Title: Handbook of Research on Higher Education in the MENA Region: Policy and Practice.
- ≠ Krishna, A., and Elizabeth, Sh. (2000), **Cross-Cultural Measure of Social Capital: A Tool and Result from India and Panama**, Washington, DC, World Bank Social Capital Initiative Paper, No. 21, October.
- ≠ Loury, G. (1977), "A Dynamic Theory of Racial Income Differences", **Women, Minorities, and Employment Discrimination**, No. 153: 86-153.
- ≠ Ports and Landlot (1996), "Unsolved Mysteries: The Tocqueville Files II- The Downside of Social Capital", **The American Prospect**, No. 26: 18-21.
- ≠ Robey, J. S. (1999), "Civil Society and NAFTA: Initial Results", **The Annals of the American Academy of Political and Social Science**, Vol. 1, No. 565: 113-125.
- ≠ Van, A., Hendriks, D. P., and Romo-Leroux, I. (2016), "Knowledge Sharing and Social Capital in Globally Distributed Execution", **Journal of Knowledge Management**, Vol. 2, No. 20: 1-17.